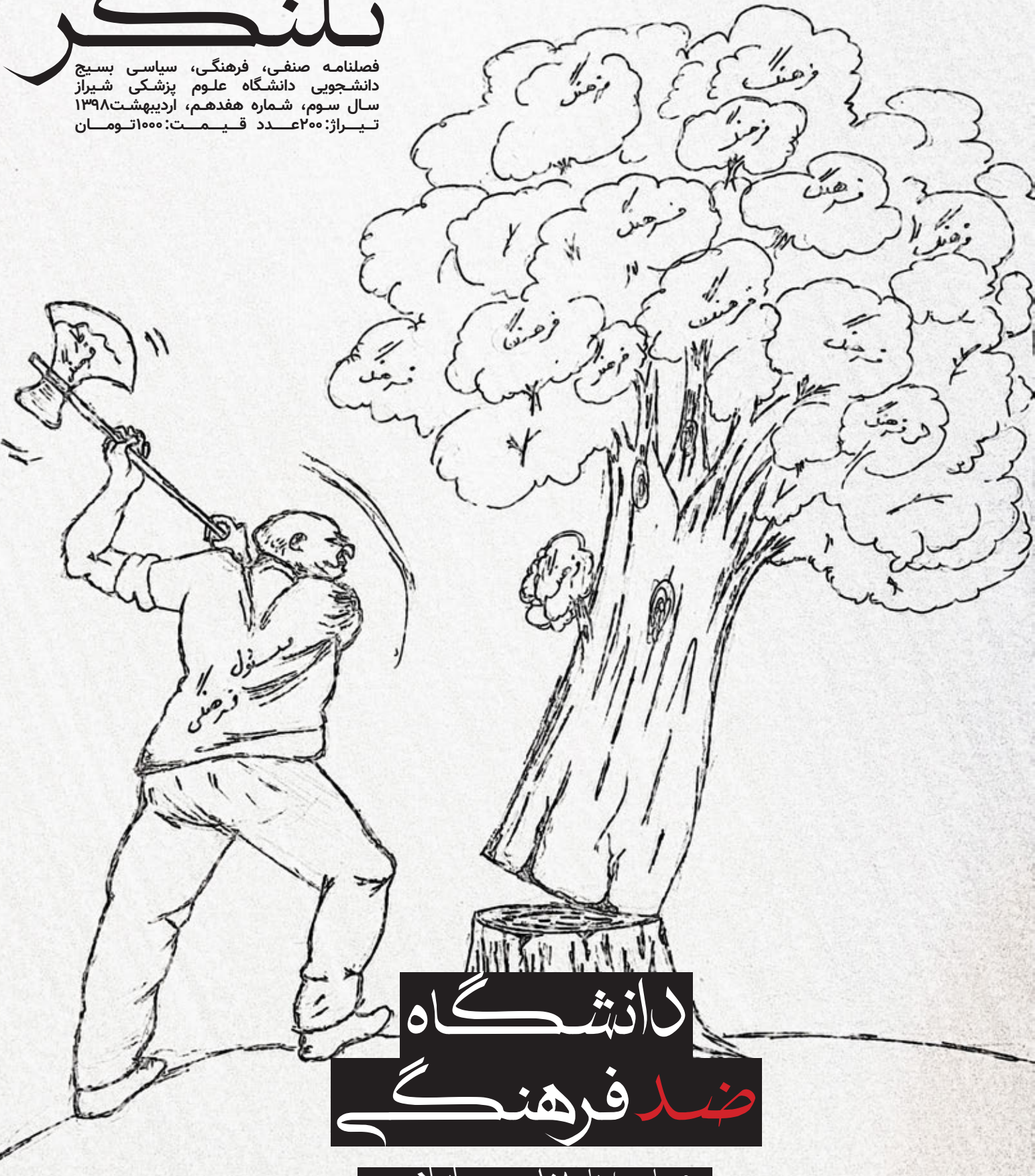


# تلنگر

فصلنامه صنفی، فرهنگی، سیاسی بسیج  
دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
سال سوم، شماره هفدهم، اردیبهشت ۱۳۹۸  
تیراژ: ۲۰۰ عدد قیمت: ۱۰۰۰ تومان



## دانشگاه ضد فرهنگ


مصاحبه با مهندس میرا برهیمه

مفدا؛ حامی دولت‌ها

یو یو لیسیم؛ عوام‌گرایی یا عوام‌فریبی

منافق، نمک‌بر زخم شیر مردار، انقلابی

طب سنتی؛ افول تاجیا



باز آی دلبرا که دلم بی قرار توست  
وین جان بر لب آمده در انتظار توست  
در دست این خمار غمم هیچ چاره نیست  
جز باده ای که در قدح غمگسار توست  
ساقی به دست باش که این مست می پرست  
چون خم ز پا نشست و هنوزش خمار توست  
هر سوی موج فتنه گرفته ست و زین میان  
آسایشی که هست مرا در کنار توست  
سیری مباد سوخته ی تشنه کام را  
تا جرعه نوش چشمه ی شیرین گوار توست  
بی چاره دل که غارت عشقش به باد داد  
ای دیده خون ببار که این فتنه کار توست  
هرگز ز دل امید گل آوردنم نرفت  
این شاخ خشک زنده به بوی بهار توست  
ای سایه صبر کن که برآید به کام دل  
آن آرزو که در دل امیدوار توست  
هوشنگ ابتهاج

# تلنگر

فصلنامه صنفی، فرهنگی، سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
سال سوم، شماره هفدهم، اردیبهشت ۱۳۹۸ - تیراژ: ۲۰۰ عدد قیمت: ۱۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز:  
بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مدیرمسول:  
وحید طیبی خرمی

سردبیر:  
زهرا فراروئی

هیئت تحریریه:  
بهرام اسدپور، رویا رضایی، وحید طیبی خرمی، زهرا فراروئی، فاطمه کاظمی، فائزه مرزوقی، محمدحسین میرسلیمی، محمدجواد نصیرپور، زهرا نصیری

تصویرسازی جلد:  
خدیجه احمدی



ASTERIXARTS

طراح گرافیک و صفحه آرایی:

حسین محمودی (@AsteriXarts) - AsteriXarts.com

باتشکر از آقایان امیرحسین کامرانپور و امیرحسین محسنزاده



- |   |    |
|---|----|
| طب سنتی؛ افول تا احیا                   | ۰۱ |
| دانشگاه ضد فرهنگی                       | ۰۵ |
| مفدا؛ حامی دولتی ها                     | ۰۸ |
| هیچ وقت با یه روباه هم غذا نشید!        | ۰۹ |
| مصاحبه با مهندس میرابراهیمی             | ۱۱ |
| پوپولیسم مساوی عوام گرایی یا عوام فریبی | ۱۵ |
| منافق، نمکی بر زخم شیرمردان انقلابی     | ۱۷ |
| نگاه امام                               | ۱۹ |
| کارآفرینی یا کارگزینی                   | ۲۰ |
| بی حجابی اجباری                         | ۲۱ |
| یک جرعه کتاب                            | ۲۲ |
| مراقبت متعالی در منزل                   | ۲۳ |
| آنچه گذشت...                            | ۲۵ |





سرمقاله

شیراز؛  
نابودی؛  
دست در دست هم

وحید طیبی خرمی

استاندار محترم فارس، جناب آقای رحیمی، سلام... صبح زیبای بالا شهریتان بخیر!

فرماندار محترم شیراز، جناب آقای امیری، سلامی به پهنای باغ های زیبای قصرالدشت!

شهردار محترم شیراز، جناب آقای اسکندرپور، سلام... سایه تان بر این زیبایی های شهر، مستدام!

امام جمعه محترم شیراز، جناب آقای دژکام، سلام... طاعات و عبادات، قبول درگاه حق!

بازهم بهار فرارسیده و آن زیبایی هرساله شهر، چشم نوازی می کند! از باغ ارم گرفته تا دلگشا و عقیق آباد و معالی آباد و همه و همه جای شهر، پر شده از گل و بلبل و زیبایی. شاید پرنده های شیراز در فصل بهار، خوشبخت ترین موجودات دنیا باشند! آخر این همه زیبایی و طراوت را هرجایی نمی توان یافت. از باغ های قصرالدشت، مداوم، صدای لذت و زندگی شنیده می شود و شب ها، کنار ارگ، غوغایی به پااست! دروازه قران و حافظ و سعدی و شاهچراغ هم که بیشتر از همیشه، غلغله است...

اما شیراز، همه اش این نیست. شیراز فقط زیبایی باغ ارم و صدای لذت از باغ های قصرالدشت و اسکیت بازی شمال شهری ها در معالی آباد نیست... شیراز کمی آن طرف تر هم دارد. این بوی بهارنارنج که در تمام شهر پیچیده، فقط پولدارها میشنوند و فقط چشم های آن هاست که زیبایی ها را می بیند؛ نه، اما در جنوب شهر، زیبایی، در میان سیلی از آوارگی به دام افتاده. آقایان محترم مسول، به خاطر آن دختر بچه ای که در حسرت داشتن یک لباس خوب، شب ها را سپری می کند؛ به خاطر آن پسر بچه ای که به جای دوچرخه، با تایرهای فرسوده کنار کوچه ها خودش را سرگرم می کند؛ به خاطر آن پدری که از شدت کار، دست هایش پینه بسته، اما مثل همیشه خالی است و روی خانه آمدن و دیدن چشم های منتظر زن و بچه اش را ندارد؛ به خاطر مادری که شب ها، با داستان های کودکانه، فرزندانش را به خواب می کند تا گرسنگی را احساس نکنند؛ و به خاطر خودمان به فکر پایین شهر هم باشید. این شهر، منطقه سنگ سیاه و پیاله هم دارد. اینجا خانواده هایی دارد که تمام سرپناهشان چندتکه آهن قراضه است. اینجا دخترانی دارد که "مجبورند" عفتشان را، حیا و آبرویشان را، کنار بگذارند و تن فروشی کنند برای زنده ماندن! آقای امام جمعه، اطرافیانتان را بشناسید. این ها (که بعضی هایشان را خودم میشناسم) مردان و شاید نامرادانی اند که چشم شما را به روی شهر بسته اند. به روی حقایقی که هست. مشکل امروز ما فقط برجام و دولت خودفروخته نیست. مشکل ما این مستضعفانی هستند که آه در بساط نداشتند و ندارند اما با قلبی مملو از عشق امام راحل زندگی می کنند. مشکل ما جوانان درمانده ای هستند که روز به روز از اسلام و انقلاب فاصله می گیرند.

جناب شهردار و فرماندار و استاندار و بقیه مسولین!

در شهری که کودک کار و نوجوان معتاد دارد، زندگی، معنایی جز مرگ ندارد. به خاطر خدا به فکر بیفتید. نمیدانم مسولین این شهر و من و بقیه شهروندان چندبار به جنوب شهر رفته ایم و دستی گرفته ایم. اما خوب میدانم هر جا رفته ایم و هر چه کرده ایم بازهم کم است، چون شهر پراست از مظلومان چشم به راه عدالت.

اگر شب ها، راحت میخابیم، مرگ بر ما! مرگ بر من و آن استاندار و فرماندار و شهردار و امام جمعه و بقیه مسولینش. کاش مرده بودیم. اما زنده ایم و بازهم داریم از همین خیابان های شمال شهر لذت میبریم!! زنده ایم و با حیوانیت درونمان دست و پنجه نرم می کنیم. کاش مرده بودیم....





# طب سنتی؛ افول تا احیا

احمد فرقانی، منتشر شده در روزنامه کیهان بخش اجتماعی به تاریخ ۱۴ دیماه ۱۳۹۵



در دهه‌های اخیر، استفاده از طب سنتی و مکمل در اکثر کشورهای جهان گسترش چشمگیری یافته است. نتایج رضایت‌بخش، در دسترس بودن، کم هزینه بودن و عوامل اجتماعی در استفاده روزافزون از طب سنتی تأثیر به‌سزایی داشته است.

با توجه به اینکه طب سنتی ایرانی منشاء یکی از مهم‌ترین مکاتب طبی پزشکی است، انتظار می‌رفت احیا و استفاده از خدمات طب سنتی، رشد فزون تری داشته باشد. فصلنامه صنفی، فرهنگی، سیاسی بسیج دانشجویی سال سوم، شماره هفدهم اردیبهشت ۱۳۹۸

اما شواهد نشان‌دهنده توسعه کنترل شده و محدود طب سنتی در کشور است. این نوشتار سعی دارد ضمن بررسی روند تاریخی طب سنتی در تاریخ معاصر، به بررسی برخی از سیاست‌های تکمیلی برای توسعه طب سنتی در کشور بپردازد. طب سنتی در تاریخ معاصر مقاطع پر فراز و نشیبی را سپری کرده است که می‌توان این دوره را به سه مقطع تقسیم کرد که در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

**مقطع اول : افول طب سنتی**  
تا قبل از حکومت شاه عباس صفوی، طبابت در کشور منحصر به طب سنتی بود. در عهد شاه عباس صفوی، طب نوین از طریق هیئت‌های مذهبی مسیحی و هیئت تجاری هند شرقی به حوزه سلامت کشور راه یافت. با اعزام گروه‌هایی برای تحصیل طب نوین به خارج از کشور توسط عباس میرزا و تربیت پزشک توسط دارالفنون (از دیماه ۱۲۳۰

ه.ش) و بیمارستان‌های هیئت‌های مذهبی، جایگاه طب نوین در حوزه سلامت کشور تقویت شد. از این‌رو، توسعه و افزایش ارائه خدمات طب نوین در قرن سیزدهم شمسی روند صعودی داشت و گسترش استفاده از خدمات طب نوین توسط دربار و گروه‌های ویژه و تاسیس بیمارستان‌های مدرن در تهران، موجب تغییر طرز فکر مردم به طب نوین شد. گرچه توسعه خدمات طب نوین در جامعه و ایجاد ساختارهای سازمان یافته



طب نوین، برای نظارت بر بهداشت عمومی و کنترل بیماری‌های مسری، موجب بهم خوردن موازنه به نفع طب نوین شد، با این وجود ضعف‌های ذاتی و عارضی موجود در طب سنتی زمینه انحطاط این شیوه طبی را فراهم آورد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. ضعف ذاتی طب سنتی: در گذر زمان علوم مختلف با مسائل و چالش‌هایی مواجه می‌شود که جامعه علمی در پاسخگویی به مسائل مطرح شده ناتوان است اگر همزمان

با گسترش مسائل حل نشده و ایجاد ابهام در مؤثر بودن الگوی رایج در حل مسائل ذکر شده، الگوی جدیدی توسط مراکز علمی ارائه شود که بتواند پاسخ‌های مناسبی در برابر چالش و مسائل یاد شده داشته باشد زمینه برای گسترش الگوی جدید علمی فراهم می‌شود به عبارتی تغییر پارادایم علمی صورت می‌گیرد، همانند تسلط الگوی کوپرنیکی بر هیئت بطلمیوسی در نجوم یا تسلط الگوی فیزیک نوین بر فیزیک کلاسیک

در حوزه علم فیزیک. بنابراین تغییر مکاتب علمی در طول تاریخ بشری پدیده‌ای پرتکرار و متداول است و بحث علم طب از این قاعده کلی مستثنی نیست. ضعف عارضی طب سنتی: عوامل فرعی متعددی برای افول طب سنتی می‌توان برشمرد که در این بخش دو عامل نامشخص بودن محدوده طب سنتی و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نامشخص بودن محدوده

طب سنتی: عدم تعریف یا تعریف ناقص محدوده طب سنتی بالاخص در قرن سیزدهم ه.ش باعث شد که طب جالینوسی، طب النبوی و طب جادویی همگی در محدوده طب سنتی قرار بگیرند و گروه‌های مختلفی از جمله دلاک‌ها، شکسته‌بندها، جادوگران و طبیبان قلابی خدمات طبی ارائه نمایند به عبارتی هر فردی می‌توانست طبیب شده و خدمات طبی ارائه نماید. نبود نظارت و استانداردهای لازم در بخش‌های آموزش،

تربیت نیروی انسانی و ارائه خدمات طبی و...، زمینه تضعیف و افول طب سنتی در برابر طب نوین که دارای ساختار سازمان یافته و منظم بود را فراهم آورد.

عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی: از منظر اجتماعی شکل‌گیری اندیشه‌های روشنفکرانه مبنی بر ناکارایی طب سنتی و خودباختگی نسبت به طب نوین غربی و از بعد اقتصادی اندیشه‌های منفعت‌طلبانه ناشی از گسیل تجهیزات و داروها و خدمات شرکت‌های بزرگ خارجی و همچنین پزشکی که با سلامت انسان سوداگری می‌کنند و از منظر سیاسی ارتقاء طبای طب نوین به مرتبه پزشک مخصوص شاهان قاجار (عمدتاً پزشکان انگلیسی، فرانسوی و روس) و پیگیری خواسته‌های قدرت‌های خارجی از طریق تیم‌های

پزشکی، زمینه تضعیف طب سنتی و تقویت طب نوین را فراهم کرد.

### مقطع دوم: حذف طب سنتی

با تدوین قانون طبابت توسط مجلس حفظ الصحة و تصویب آن توسط مجلس شورای ملی در سال ۱۲۹۰ ه.ش، ضمن ممنوعیت آموزش طب سنتی، مجوز طبابت منحصر به گواهینامه‌های مدارس طب نوین گردید که این امر، بستر حذف طب سنتی از حوزه سلامت را فراهم کرد. طب سنتی در شرایطی از حوزه سلامت کشور حذف شد که عمده طبای کشور، طبای طب سنتی بودند و برخی طبای دیپلمه بعد از پایان مدرسه دارالفنون نزد پزشکان مشهور طب سنتی آموزش می‌دیدند تا بتوانند مقبولیت عمومی برای طبابت در جامعه را بدست آورند.

تصویب قانون طبابت و اجرای آن، برای حوزه سلامت شرایط بغرنجی را پدید آورد.

کمبود پزشکان دیپلمه در شهرهای بزرگ و کمبود شدید آنها در شهرها و ولایات، حوزه سلامت را در بلاتکلیفی تامین نیروی انسانی، حکومت را با چالش تامین تقاضای جامعه برای تامین طبیب و طبای طب سنتی را با معضل ممنوعیت فعالیت مواجه ساخت.

عوامل فوق همراه با کاهش شدید فارغ التحصیلان طبیب دیپلمه توسط دارالفنون موجب شد که اجازه نامه طبابت طبیبان طب سنتی سه بار در سال‌های ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ و ۱۳۱۱ تمدید شود.

### مقطع سوم: احیاء طب سنتی

در دهه‌های اخیر، استفاده از خدمات طب سنتی در حوزه سلامت

کشور رواج یافته است گرچه عوامل اقتصادی، اجتماعی و شواهد علمی، بر توسعه خدمات طب سنتی تاثیرگذار بوده است با این وجود از قانونی شدن آموزش طب سنتی با تاسیس دانشکده طب سنتی در سال ۱۳۸۶، به عنوان نقطه عطفی در احیای قانونی طب سنتی می‌توان یاد کرد زیرا با قانونی شدن آموزش طب سنتی در دانشگاه‌ها، دوران صد ساله ممنوعیت آموزش رسمی طب سنتی به پایان رسید و بستر برای حیات دوباره طب سنتی فراهم گردید.

### نکاتی راجع به توسعه طب سنتی

۱- امروزه که شرایط برای تاثیرگذاری طب سنتی در توسعه سلامت کشور فراهم شده است نیاز است با اتخاذ سیاست‌های مؤثر، بستر برای استفاده حداکثری نظام سلامت از طب





سنتی فراهم شود.  
۲- ورود به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه طب سنتی در کشور به مقدماتی نیازمند است که در ادامه به پاره‌ای از این اقدامات اشاره می‌کنیم.  
\* محدوده و چارچوب طب سنتی بصورت صریح و بدون ابهام تعیین شود تا زمینه برای فعالیت سودجویانه گروه‌های فاقد صلاحیت در ارائه خدمات طب سنتی و نیز، تیم‌هایی که بصورت آگاهانه در پی تخریب جایگاه طب سنتی هستند، فراهم نشود. قابل ذکر است ابهام در محدوده و چارچوب طب سنتی، زمینه را برای اعمال استانداردهای دوگانه در مواجهه با نهادهای طب سنتی فراهم می‌کند.  
برای مثال، می‌توان به نظارت بسیار ضعیف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر فعالیت

عطاری‌ها اشاره کرد که امروزه بصورت قارچ گونه در کشور رشد می‌کنند و نقص در نظارت بر آنها موجب آسیب به سلامت جامعه و جایگاه طب سنتی می‌شود.  
در مقابل، باید به برخورد با مؤسسات طب سنتی و لغو مجوز آنها، با وجود پیشینه و عملکرد موفق در ارائه خدمات طب سنتی، اشاره کرد.  
\* هستی شناسی و روش‌شناسی طب سنتی با طب نوین، فی‌الجمله متمایز است. بنابراین، اعمال استانداردهای طب نوین برای ارزیابی و نظارت بر طب سنتی دقیق نیست.  
پس، تدوین و اعمال استانداردهای متناسب با طب سنتی در اولویت قرار دارد.  
\* طب سنتی ایرانی همانند طب نوین، دارای اجزاء و ابعاد پارادایمی خاص خود است. بنابراین

تقلیل جایگاه طب سنتی به منزله مکمل طب نوین، نادرست است. زیرا طب سنتی و طب نوین موجودیت مستقلی دارند و هر یک از زاویه خاص خود به سلامت می‌نگرند. بنابراین هیچ کدام نمی‌توانند جایگزین یا مکمل همدیگر شوند. دسترسی بالا به خدمات طب سنتی و کم هزینه بودن آن موجب گسترش روزافزون طب سنتی در جهان کنونی شده است. با این وجود، اعمال سیاست‌های وزارت بهداشت دال بر تربیت نیروی انسانی طب سنتی به صورت محدود و با مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، موجب شده است مزیت‌های گسترش طب سنتی خدشه‌دار شود زیرا تعرفه خدمات متخصصان طب سنتی، گران و تعداد نیروی انسانی تربیت شده، کم است. در حالی که انتظار

می‌رود خدمات طب سنتی، ارزان و در دسترس همگان باشد. بنابراین، لازم است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منزله متولی نظام سلامت کشور نسبت به تربیت نیروی انسانی طب سنتی، متناسب با نیاز جامعه اقدام کند. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود ضمن توسعه کمی دانشکده‌های طب سنتی، نیروی انسانی با مدارک متنوع در سطوح گوناگون از قبیل کاردان، کارشناس، کارشناس ارشد و دکتری تخصصی در رشته طب سنتی تربیت شود تا به تقاضاهای متنوع جامعه (در مناطق محروم و نواحی توسعه‌یافته) پاسخ مناسب داده شود.  
ذکر این نکته مهم است که طب سنتی دارای منابع غنی برای تأمین منابع درسی رشته‌های فوق‌الذکر به منزله رشته‌های مستقل است.



# دانشگاه فرهنگ

وحید طیبی خرمی

۵۵

تذکره

فصلنامه صنفی،  
فرهنگی، سیاسی  
بسیج دانشجویی  
سال سوم،  
شماره هفدهم  
اردیبهشت ۱۳۹۸

شاید بعد از گذشت یکسال از پیگیری های مداوم و عدم مشاهده تغییری محسوس در روند سیاستگزاری و اجرای برنامه های فرهنگی بهتر باشد در این شماره از نشریه تلنگر، درد و دل های فعالان فرهنگی از اوضاع نابسامان فرهنگی دانشگاه را علنی تر بیان کنیم!

از آنجایی که همچنان بسیج دانشجویی در حال پیگیری مطالبات فعالان

فرهنگی در حیطه دانشگاه علوم پزشکی شیراز است، بنده قصد قضاوت عملکرد معاونت فرهنگی دانشگاه راه ندارم و صرفاً به بیان برخی از معضلات فرهنگی دانشگاه می پردازم که حداقل در ظاهر (و بلکه در باطن) با فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی در تناقض است.

۱- وظیفه شوراهای فرهنگی خوابگاه ها چیست؟ در این مورد قبلاً هم نوشتیم و گفتیم و

تذکر دادیم که این شورا باتوجه به طیف وسیعی از فعالیت هایی که میتواند انجام دهد باید اولاً در اختیار دانشجویان خوشفکر فرهنگی قرار گیرد و ثانیاً نظارت جدی روی عملکرد این شورا وجود داشته باشد. به نظر می رسد هیچ کدام از این موارد وجود ندارد. چرا؟!

۲- شوراهای صنفی خوابگاه ها و دانشکده ها متولیان اصلی پیگیری مطالبات

دانشجویان هستند. تا بحال چندمورد از اعضای شوراهای صنفی، عملکرد سالانه خود را ارائه داده اند؟ از طرف دانشگاه نظارت مناسبی روی عملکرد اعضای شوراهای صنفی وجود دارد یا هر عضو ماهانه ۱۰۰ ساعت کار دانشجویی (خیلی بیشتر از کاری که واقعا انجام می دهد) برایش رد می شود و از مزایای دیگری هم استفاده می کند و بعد از یکسال، تا



دیگری غیر از هدر دادن پول بیت المال!!!) محقق نخواهند شد، بلکه حتی به این اهداف نزدیک هم نخواهیم شد. اگر هدف از برگزاری این مراسمات، شاد کردن دانشجویان است (که هدف مهمی تلقی میشود) با مبالغ به مراتب کم تر می توان شادی به مراتب بیشتری را نصیب دانشجویان کرد! توجه به این نکته نیز ضروری است که شادی در صورتی باعث نشاط

جشن ها چیست؟ شاد کردن دانشجویان؟ تخلیه انرژی فراوان نسل جوان؟! ارائه محتوای فرهنگی به دانشجویان؟! یا...  
اگر کمی با دقت به سبک و سیاق برگزاری جشن های معاونت فرهنگی بنگریم، متوجه خواهیم شد که با توجه به مبالغ گزافی که برای این جشن ها هزینه می شود نه تنها هیچ کدام از اهداف مذکور) یا هر هدف

نظارت بیشتر و جدی تر ندارد؟ (در مورد خوابگاه شهید دستغیب در مجالی دیگر به صورت مفصل تر توضیحاتی را ارائه خواهیم داد)  
۳- سال تحصیلی ۹۷-۹۸ یکی از پرچشمن ترین سال های تحصیلی در چندسال گذشته بود! از جشن های تشکل های دانشجویی تا رشته های مختلف و جشن خوابگاه ها و...  
هدف از برگزاری این

بهدک کشیدن نام شورای صنفی و استفاده از مزایایی که بعضا دور از حق و عدل است، به حضور لذتبخش خود در شورا پایان می دهد؟!  
شورای صنفی خوابگاه شهید دستغیب ماهانه بیش از دوهزار ساعت کار دانشجویی در اختیار دارد اما بیشتر این ساعت های کار دانشجویی به عده و قومیت خاصی تعلق می گیرد. دلیل آن چیست؟ آیا این بخش نیاز به

و پویایی می شود که مستمر باشد.

در شرایطی که شوراهای فرهنگی و صنفی خوابگاه ها هیچ برنامه ای برای افزایش نشاط دانشجویان ندارند، آیا این هزینه های هنگفت به نشاط و پویایی دانشجویان کمک خواهند کرد؟

صراحتاً بیان می کنیم که بسیج دانشجویی هیچ مخالفتی با برگزاری جشن ندارد و اتفاقاً به شدت طرفدار شادی و نشاط دانشجویست. چیزی که ما را نسبت به این موضوع حساس و نگران کرده، هدر رفتن بودجه فرهنگی دانشگاه در جهتی غیر فرهنگی (و یا حتی ضد فرهنگی) است. از طرفی، کسی منکر مشکلات صنفی دانشجویان نیست. در این شرایط، اولویت باید با حل مشکلات صنفی و اهدای "شادی مستمر" به دانشجویان باشد یا برگزاری جشن های چنددهه میلیونی با خوشحالی چندساعته؟! قطعاً برگزاری جشن هم فواید خود را دارد اما نه به این تعداد و در این حجم و با این مقدار از صرف هزینه!

۴- پس از تغییرات مدیریتی ایجاد شده در مدیریت تعالی فرهنگی و امور فوق برنامه دانشگاه، انتظار می رفت وضعیت فرهنگی دانشگاه در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد. اما اینک بعد از گذشت چندماه از این تغییر، نه تنها رشد قابل توجهی مشاهده نشده بلکه بیان برخی از مطالب از طرف مدیریت تعالی فرهنگی

دانشگاه و برخی از موضع گیری های ایشان نگرانی های بیشتری را در میان فعالان فرهنگی ایجاد کرده است. برای مثال ایشان با شنیدن بعضی از معضلات فرهنگی و گاهاً برنامه های ضد فرهنگی که در دانشگاه برگزار می شوند به ابراز تاسف اکتفا کرده و در جهت رفع مشکلات، چندان پیشقدم نیستند! عدم آگاهی کافی از زیرمجموعه، یکی دیگر از نقص های قابل تاملی است که در مدیریت این بخش دیده می شود. برای مثال ایشان فعالان فرهنگی را از قشر ضعیف در امور علمی برمی شمارند (!) یا درجایی اظهار می کنند که چرا دانشجویان سرکلاس به مباحث گوش نمی دهد تا انجمن های علمی مجبور باشند کارگاه های مجدد و با همان مباحث برگزار کنند!! در نقض این دومیور بیان همین مطلب کافی است که حداقل در بسیج دانشجویی به عنوان یکی از تشکل های دانشگاه وضعیت علمی دانشجویان، بالاتر از حد متوسط دانشگاه است و از طرفی داشتن این دید نسبت به فعالان فرهنگی، در عمل، مخالفت ایشان با کارهای فرهنگی را در ذهن ها تلقی می کند. درباره مورد دوم هم وظایف انجمن های علمی و تاثیرگذاری آن ها برکسی پوشیده نیست.

علاوه بر مطالب بالا، بیان این مطلب نیز ضروری است که دیدگاه مدیریت تعالی فرهنگی دانشگاه باید دیدگاهی فرهنگی

و تربیتی باشد و در اجرا و طرح ریزی برنامه ها، همواره راهنما و کمک کننده دانشجویان باشد نه تویبیکر و سرزنش کننده.

۵- در دانشگاه علوم پزشکی شیراز چند کانون فرهنگی هنری وجود دارد؟! از این بین، چند مورد از آن ها فعال هستند؟! عدم فعالیت کانون های فرهنگی و محدود شدن فعالیت بعضی از کانون ها به برگزاری فصلی یک دوره می یک روزه و تناول بهترین غذاهای مجموعه ولایت نشان دهنده چیست؟! آیا نظارت مناسبی روی فعالیت کانون های فرهنگی وجود دارد؟ اگر وجود دارد و بازهم شاهد این حجم از انفعال هستیم پس باید نحوه نظارت تغییر کند یا به ناظران محترم آموزش داده شود!! و اگر نظارتی وجود ندارد باید مسولین محترم معاونت فرهنگی پاسخگو باشند.

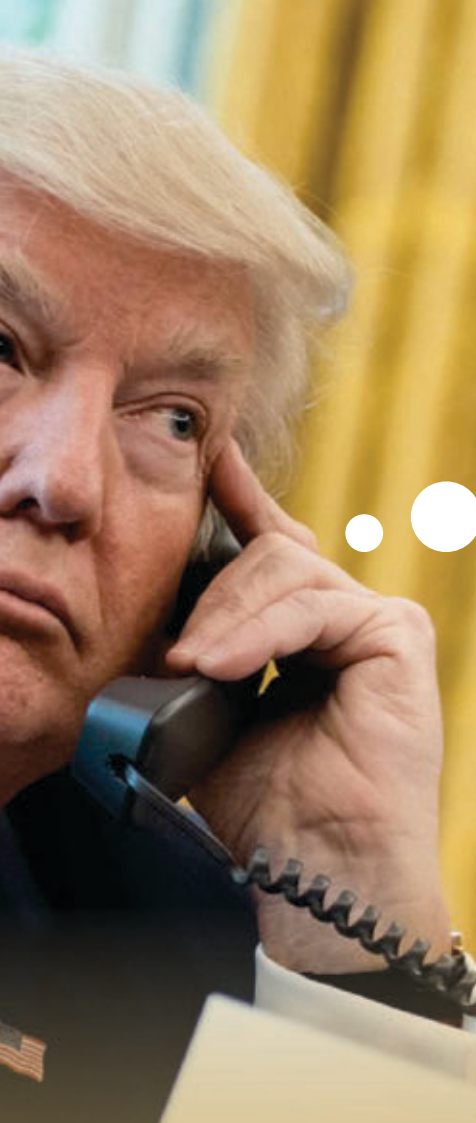
۶- با انتخاب اعضای جدید دانشجویی کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه و با تلاش های فراوان و همیشگی کارشناس نشریات، این حوزه یکی از قابل دفاع ترین بخش های فعالیت های معاونت فرهنگی در سال های اخیر بوده است. با این وجود همچنان حضور یک مدیر آشنا به مدیریت اقتصادی احساس می شود، چرا که در این بخش مبالغ زیادی هزینه می شود و با یک مدیریت مناسب میتوان هزینه ها را کاهش داد و همزمان

کیفیت نشریات را بالا برد. ۷- برگزاری اردوهای مختلف تفریحی، زیارتی و... با چنددهه میلیون (بلکه چندصد میلیون!!) هزینه، احتمالاً یکی از بخش های پرهزینه معاونت فرهنگی محسوب می شود. آیا در این برنامه ها حداقل به مفاهیم فرهنگی و اسلامی احترام گذاشته می شود؟ برنامه هایی که در این اردوها برای دانشجویان در نظر گرفته می شود به چه اندازه "فرهنگی" و "تربیتی" هستند؟

همانطور که در ابتدا عرض شد، حدود یکسال است که تعدادی از فعالین فرهنگی و دغدغه مند به دنبال جواب سوالات مطرح شده در این نوشته هستند.

برای تعدادی از آن ها نیز پاسخ هایی وجود دارد که متأسفانه خوشایند نیستند. شایان ذکر است که بسیج دانشجویی مدت هاست برای حل هر کدام از موارد بالا و برخی از معضلات فرهنگی دیگر دانشگاه، راهکار های مناسبی به معاونت فرهنگی دانشگاه ارائه داده و آمادگی همه جانبه خود برای همکاری با مسولین دانشگاه را اعلام داشته است اما بنظر می رسد همت جمعی برای فرهنگی تر کردن فضای دانشگاه از طرف مسولین وجود ندارد. البته شاید هم اشتباه از نگارنده باشد! برای اثبات اشتباه اینجانب امیدوارم مسولین فرهنگی به ارائه گزارش عملکرد خود در حوزه های مختلف تحت نظارت خود بپردازند.





# هیچ وقت بایه رویاه هم غذا نشید!

ما چند سالی هست که نون و نمک دانشگاه خوردیم ، توی عرف میگن امان از نمک خوردن و نمکدون پر کردن ! شاید هم نمکدون خالی کردن ! نمیدونم ولی کلا یه جورایی به نمک برمی گشت . از روزی که پامونو توی دانشگاه گذاشتیم شدیم دانشجوی اهن و تُلپ داره علوم پزشکی . شدیم واژه ی دهن و پر کن و جیب خالی کن خونواده ! اگه پپرسید چرا جیب خالی کن باید بگم که این جیب خالی کردن برمی گرده به اون روزی که بابام گفت : یکی یه دونه ی بابا نبینم تو شهر غربت دستت زیر سنگ قناعت گیر کنه ها ! کافیه

یه ندا بدی ، یه میس کال کوچیک تا فی الفور حال دل و جیب و حسابت خوب بشه . و خب از اون جایی که من فرزند بسیارار خلف خانواده بودم و چیزی جز اطاعت در دایره لغاتم نمی گنجید ، گفت پدر بر چشم و گوش نهاده و این چنین صحبت او را چراغ راه خود نمودم . وقتی اومدم دانشگاه دیدم فقط من نبودم که روی سینی های بزرگ توی شهرمون حلوا حلوا میشدم . از قضا با چند تا حلوای دیگه هم آشنا شدم که بعدها به مدد حضور و غیابی که حتی از نان شب هم برای برخی اساتید مهم تر بود ، اسمشون رو یاد گرفتیم .

یه سال اول برای پیدا کردن کلاسام از محیط دانشکده عکس میگرفتم ، از آموزش دانشکده گرفته تا کلاس ها و راهروها و صندلی ها و گربه ها و پرنده ها . شاید بگید گربه ها و پرنده ها چه نقشی در پیدا کردن کلاس ها داشتن ! جواب این سوال حتی برای خود من هم هنوز به شکل کامل ، روشن و واضح نیس اما من با تمام قوا ایستاده ام تا بگویم باید دشمن را پشیمان کرده و به نقطه ی عقلانیت برگردانیم ؛ اچه خدا بیامرز ! الان نیاز هست یکی شما رو به نقطه ی عقلانیت برگرداند ؛ و هم لایعقلون ! از کل خوابگاه که پنهنون نیس

، از شما چه پنهنون این روزا زیاد مهم شدم و زنگ خور گوشیم غیر از حسن سه دست که مشتری هر روزه ی شعبده های جدید و پشت پرده اشم و هر روز با ترفندهای جدیدش دهن من و سایر بیننده ها رو به قدر تالاب پریشان باز میکنه ، به اتباع خارجی هم رسیده . همین اول صبحی که صدای قار قار کلاغ ها با خرو پف معصومانه ی هم اتاقیم قرو قاط شده بود و بدجوری منو کیفور کرده بود دونالد جان !!!! باهام تماس گرفتن و این که برای صبحانه چی میل کنن باهام مشورت کردن ، باور بفرمائید جو مسموم نوسانات قیمت من را



دچار توهّمات زودگذر و اختلالات سایکولوژی نکرده و به راستی که جز غذای بسیار safe سلف قوت قالب دگری ندارم . ولی با تمامی این قضايا ارق ملی من در حفاظت از این مرزو بوم و با عنایت به کلام " همه سر به سر تن به کشتن دهیم / محال است کشور به دشمن دهیم " ، تماس نفرین شده را قطع نموده و خاکستر حاصل از آن تلفن منحوس را به عنوان اینه ی عبرت بر سر در دروازه ی شهر آویزان نمودم . البته بعدا شاهد از غیب رسید که دونالد ان روز قصد تماس با منزل را داشته ، که بعد از شنیدن این خبر بر روح گوشتی

چند میلیونی خود صلواتی نثار کردم و در عزای ان بیچاره چند روزی را جامه ی عقل و خرد پوشیدم که زیادی به تنم زار میزد پس دوباره به روال خود بازگشتم .  
خب جانم براتون بگه باباجان ؛ چیه ! به قد و قیافه ام نمیدانقدر پیر باشم ! البته اونقدر هم پیر نیستم ولی از بس که نشستم و توی گوش این حسن ، خوندم که بیا برو عصر جدید خدا رو چه دیدی ، تو که استاد ساختن و بزرگ کردن حباب های فشنگ و رنگارنگی ، زد و برنده شدی و ما هم لباس های پلو خوری خاک خورده مون رو واسه یه

ولیمه حسابی پوشیدیم . البته بین خودمون بمونه ، ولیمه که بهانه اس ، خدا رو چه دیدی شاید این وسط ما هم داماد یکی از همین شعبده بازهای از ما بهترن شدیم و مدرک دانشگاهی رو به قابش سپردیم .  
خبیب شاید اگه بهترن بگم فردا چه خبره از خوشحالی بال در بیارید ولی از الان بگم من حوصله ی دوا و دکتر واسه کردن این پشم و پرهایی که در میارید رو ندارم ! پس فردا منو کِشون کِشون از این مطب به اون مطب توی صف های طولانی رفقای پزشکمون واینسونید که هنوز هیچی نشده از بس توی صف مرغ و گوشت و

ماشین به شکل واقعی و مجازی وایسام در عنفوان جوانی واریس زودرس گرفتم .  
اخ که کمر و دست و پا برام نمونه مادر جان . اگه میخوای یه لطفی در حق من بکنی ، بی زحمت منو با انتقال وسایلم به طبقه ی پایین تخت خوشحال کن . مُردم از بس با این پای دردم پله های تخت رو بالا و پایین کردم . خدا اجرت بده . پیر بشی مادر ، خیر از جوونیت ببینی .  
در هر صورت یه نکته رو مثل گوش به حلقه تون اویزون کنید ! که هیچ وقت و تحت هیچ عنوان با یه روباه هم غذا نشید ؛ عهههه مگه داستانش رو براتون نگفتم ! .....

مصاحبه گیرنده:  
امیرحسین کامران پور  
تهیه و تنظیم: زهرا فراروئی

## مصاحبه با مهندس میر ابراهیم

مدیر محترم امور دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

### معرفی:

مهندس سید مجتبی میر  
ابراهیمی  
۳۸ ساله  
اصالتا اهل شهرستان  
تفرش  
مدارک  
کارشناس بهداشت  
عمومی و کارشناسی ارشد  
مدیریت بهداشت خدمات  
درمانی  
مدیریت امور دانشجویی  
دانشگاه علوم پزشکی  
شیراز

۱- چند ساله که در علوم  
پزشکی فعالیت دارید؟

تقریباً ۱۵ سال

۲- در دوران دانش آموزی  
و دانشجویی تصویری از  
آینده تون داشتین؟

دیدگاه کلی من این بود  
که آینده ی روشنی دارم و

هیچ وقت نگران آینده ام  
نبودم . چون پدرم کشاورز  
بودن و من هم کمکشون  
میکردم ، ذاتا آدم هایی  
بودیم که با سختی بزرگ  
شدیم و به خاطر کار هیچ  
وقت خسته نمی شدیم  
و کار و تلاش برای ما  
جایگاه و منزلت داشت .

۳- هدفی برای درس  
خوندنتون داشتین؟ فکر

میکنید بهش رسیدین؟  
در واقع من به خاطر  
شرایط خانوادگی دنبال  
کار بودم و برای کنکور  
درس نخوندم . حتی  
نمیخواستم که کنکور رو  
شرکت کنم ؛ منتهی به  
خاطر امر پدرم که گفتن  
از نظر من مجاز نیستی  
که درس نخونی ، حدوداً  
۲۰ روز مونده به کنکور

رو درس خوندم و امتحان  
دادم ؛ که اون موقع فوق  
دیپلم بهداشت دانشگاه  
علوم پزشکی ایران قبول  
شدم و بعد از اون هم  
لیسانس رو در دانشگاه  
علوم پزشکی شیراز ادامه  
دادم و کارم رو شروع کردم  
و برای ارشد در حین کار  
درس خوندم و قبول شدم .

۴- فعالیت های فرهنگی  
و صنفی هم در زمان  
دانشگاه داشتین؟

بله زیاد ؛ در دانشگاه ایران  
، هیئتی داشتیم تحت  
عنوان " هیئت دانشجویی  
ثارالله " که اتفاقاً نوپا هم  
بود و خب حدود ۱ سالی  
مسئولیت هئیت رو به ما  
سپردن .  
در دوران دانشجویی شیراز

هم ، به نوعی مسائل  
صنفی دانشکده بهداشت  
رو پیگیری میکردیم  
چون اون زمان دانشکده  
بهداشت خیلی مورد توجه  
نبود .

در یکی از بازدید هایی  
که دکتر ایمانیه به عنوان  
معاون توسعه دانشگاه  
داشتن ، به عنوان یه  
دانشجوی دغدغه مند  
یه سری مشکلات رو  
عنوان کردیم که ایشون  
هم گفتن مسائل صنفی  
دانشکده رو پیگیری کنیم  
، چون اون زمان چیزی  
تحت عنوان شورای  
صنفی نداشتیم .

و ما هم مسائلی مثل  
تأمین اعتبار و حل مسئله  
سرویس دانشکده رو  
پیگیر شدیم . چون اون





موقع تنها سرویس ، از خوابگاه شهید دستغیب به دانشکده بهداشت بود اما الان الحمدلله دائماً برای بچه های دانشکده سرویس های متعددی وجود داره .  
در خوابگاه شهید دستغیب هم مسئول نماز خونه امام صادق (ع) شدم و یه سری برنامه های مذهبی برگزار کردیم و مواردی مثل دعای ندبه و ماه رمضان و نذری و ... رو توی برنامه هامون قرار دادیم و هنوز هم این نماز خونه برای من به عنوان یادگاری هست و هر موقع که میرم ، من رو یاد فعالیت های گذشته ام می اندازه .  
۵- مدیر امور دانشجویی

**تون اون زمان حمایت میکردن ؟**  
اون زمان سبک و سیاق به این شکل نبود ، نگاه ها شکل دیگه ای داشت و به مرور کار شد و دانشجو مورد توجه قرار گرفت .  
حتی به یاد دارم که انتخاباتی برای تعیین شورای صنفی خوابگاه شهید دستغیب وجود نداشت ، و انجمن اسلامی دانشکده پزشکی بود که اعضا و دبیر شورای صنفی خوابگاه رو تعیین میکرد و از جمعیت ۱۰۰۰ نفره خوابگاه شهید دستغیب کسی هم معترض نمی شد .  
که خدا دکتر ایمانی رو خیر بده که انتخابات شورای صنفی خوابگاه

توسط ایشان گذاشته شد  
۶- اگر به دوران دانشجویی تون برگردین ، کاری هست که بخواین انجام بدین ؟  
هر چی که لازم بوده انجام دادم و میدونم که اگر برگردم هم کاری بیش از این از دستم بر نیامد . تا زمانی که سر کاری هستم ، تلاشم رو تا نهایت عاقلم و توان جسمی ام انجام میدم .  
۷- اگر مشغله ها اجازه بده اهل مطالعه هستید ؟ آخرین کتابی که مطالعه کردین چی بوده ؟  
کم و بیش اهل مطالعه هستم و سعی کردیم که این فرهنگ رو در خانواده هم نهادینه کنیم و حتی در مسافرت ها هم کتاب همراه داریم ، حتی در حد

۱ ساعت ، تا این فرهنگ کتابخوانی حفظ بشه .  
آخرین کتابی که خوندم ، تئوری انتخاب هست که در مورد بحث هایی پیرامون زندگی ، نحوه ی مواجهه با مشکلات و راهنمایی هایی در این زمینه هست که به نظرم کتاب پر محتوایی محسوب میشه .  
برای بچه ها هم ، بوستان ، گلستان ، کتاب هایی با مضمون های مذهبی و به طور کلی مواردی که با روحیات شون سازگار باشه . کتاب سلام بر ابراهیم هم یکی از کتاب هایی بود که برنامه ی مطالعه اش رو داشتیم .  
۸- اطرافیان تون شما رو با چه ویژگی بارزی میشناسن ؟

به هر حال به ظاهر چیزهایی رو نسبت میدن ولی اینکه در باطن هم وجود داره یا نه نمیدونم. ولی عمدتاً در مجالس شاد هستم. سعی میکنم مطالبی که قابلیت تبدیل به طنز رو دارن در جمع عنوان کنم.

**۹- پس شوخ طبع هستید! امکانش هست یه لطیفه تعریف کنید؟** اگر بشه این رو از ما بگذرید!

**۱۰- چی شد که این کار رو انتخاب کردین؟** انتخابی که نبوده، اجبار بوده!

در حقیقت از ابتدایی که در حوزه دانشگاه بودم چندجایی مشغول به کار بودم. در ابتدا ۴ سال رئیس اداره خوابگاه ها بودم و دکتر ایمانیه گفتند که به عنوان مشاور مسائلی که در حوزه دانشگاه وجود داره رو بررسی کنم.

بعد از اون سرپرست مجتمع ولایت بودم و حدود بهمن ۹۱ ریاست دانشگاه پیشنهاد ورود به حوزه ی دانشجویی رو دادن که بنا بر شرایط و دلایلی که داشتم ورود به این حوزه رو به صلاح نمیدونستم. و یکی از دلایلم هم این بود که اون زمان پزشک ها پست مدیریت روبرعهده داشتند. و در هر صورت اصرارها ادامه داشت ولی من قبول نکردم.

تا مهر ۹۲ که که با اصرار و دستور ریاست دانشگاه مدیریت امور دانشجویی رو پذیرفتم. درواقع خودم دنبال این مسولیت نبودم و طبق دستور اومدم.

**۱۱- چی باعث میشه انقدر دغدغه مند باشید؟**

به هر حال زندگی هدف داره و در هر قسمت اگر قرار باشه بدون هدف کار بشه این درست نیست. قطعاً یک هدف برتر وجود داره و اون رسیدن به تقرب الهی هست.

من از بچگی کنار پدرم کار کردم، از زمان کاشت تا برداشت و فضای کاری برای من یک تربیت بود و این باعث میشد بیشتر به اهداف طبیعت نگاه کنم و این که هر چیزی یک برنامه و هدفی داره، حتی طبیعت و انسان باید الگو بگیره و به زندگیش هدف بده. وقتی نگاه میکنی، میبینی که بدون هدف نمی تونی در جامعه و زندگی باشی. اصلاً برای چی اومدی! میخوای چیکار کنی! گیرم همه ی امکانات رو برای زندگی مادی فراهم کردی، اما آخرش قراره چی بشه؟ آخرش این هست که ما ۵ تا اصل نوی دین داریم که بهش میگی اصول دین، که کنار هم قرار دادن این ها به شما میگه باید کجا بری. پس شما باید در این مسیر، هدف داشته باشی.

فی الواقع اون کسانی که در این زمینه موفق شدند و به نتیجه رسیدند، شهدا هستند که مسیر درست رو طی کردن و بالاترین مزد رو هم از خدا گرفتند.

هدفی که درواقع در زندگی مشخص میشه اینه که: ما برای جامعه و مردم چقدر تاثیرگذار هستیم! برای دنیا چقدر

تاثیرگذار هستیم! اگر روی این مسائل فکر کنی باعث میشه متوجه بشی حضورت چه معنایی داره. پس هدف گذاری خیلی مهمه، این که هدف گذاری ات چی باشه، باعث میشه دغدغه برات ایجاد بشه یا بدون دغدغه بشی.

**۱۲- اولویت کاری تون برای مدیریت امور دانشجویی چی هست؟** اگر بخواهیم واقع گرایانه نگاه کنیم؛ این هست که به دانشجو خدمت رسانی بشه و نسلی تربیت بشه که از بین اینها به مردم خدمت رسانی صورت بگیره و تامین رفاه دانشجو هم در حد مطلوبش اتفاق بیفته. همیشه گفت در این زمینه کامل موفق بودیم چون شرایط و امکانات محدود هست اما تلاش صورت گرفته و میشه گفت که در این مدت نتایج خوبی هم به دست اومده.

**۱۳- بعضی از برنامه هایی که در سطح دانشگاه اجرا میشه هزینه های زیادی براش میشه مثل خواننده های چند میلیونی و خب بعضاً محتوای خاصی هم نداره! توجیهی برای این قضیه هست؟**

اگر بخواد کلی نگاه بشه با توجه به شرایط موجود در دانشگاه، باز برمی گرده به اهدافی که تعریف میشه.

و این که در دانشگاه همه طالب مراسم های مذهبی صرف نیستند و رویکرد های متفاوت در افراد وجود داره. خواننده ای که دعوت

میشه محتوایش در قالب جشن قرار میگیره و در قالب جشن توجیح میشه و نه به عنوان کنسرت. به عنوان مثال خواننده بین ۵ مراسم دیگه جای میگیره اما به عنوان اصل مراسم در نظر گرفته میشه.

در واقعیت تا امروز موفق نبودیم که این ها رو جهت بدیم یا جایگزین خوبی براش پیدا کنیم چون به جای فرمایش امام که دانشگاه ها باید فرهنگ جامعه را بسازد به نظرم الان این جامعه هست که داره فرهنگ دانشگاه رو می سازه.

در این مسیر هم دانشگاه ها به خاطر این که تحت فشار ذهنیت دانشجویی و شرایط اجتماعی دانشگاه هستن، چندان موفق نبودن. به هر حال بحث شاد بودن با این گونه مراسم ها توسط تعدادی از دانشجو ها مطرح میشه ولی به نظر من این شادی با چهارچوبی که مقام معظم رهبری میگویند مطابقت نداره و باید جایگزین مناسبی براش قرار بگیره که یا تا الان پیدا نشده یا این که براش فکری نشده.

**۱۴- تا حالا شده کاری انجام بدید که خلاف اعتقادات و میل باطنی تون بوده باشه؟**

بله؛ همین مراسم هایی که برگزار میشه و موسیقی هایی که به این شکل برگزار میشه. البته با موسیقی مخالف نیستم اما این که تبدیل به چنین چیزی بشه که حتی راس مملکت هم بگویند که این به صلاح

دانشگاه نیست ، باطن من با این خیلی جور نیست .

**۱۵- وقتی سخنرانی دعوت میشه معیار موافقت یا مخالفت چیه ! و این که فضای سیاسی دانشگاه نباید بازتر باشه تا همه تفکرات بیان بشه و همه اظهار نظر کنن ؟** معیار سخنران ها چند تا مطلب هست ؛ مورد اول مشورت هایی هست که با نهادهای امنیتی انجام میشه .

چون ممکنه کسی سوابقی در کشور داشته باشه که ما آگاه نباشیم و سخنرانی چنین کسی در دانشگاه باعث ایجاد تنش و تشنج بشه . معیار دیگه نظر هیئت نظارت هست و این که فرد مد نظر سابقه محکومیت سیاسی نداشته باشه . و محوریت اصلی که در هیئت نظارت مد نظر هست ، این هست که سخنرانان بحث وحدت ملی را خارج از بحث جناح سیاسی حفظ کنند . و خب گاهی ممکن است سلیقه هم در این امر دخیل شود . مثلا آقای حسن عباسی از دیدگاه من مسئله وحدت ملی رو حفظ میکنن اما از نظر یک شخص دیگه وحدت توسط ایشان حفظ نمیشه . پس سلیقه شخصی هم در انتخاب مطرح میشه .

**۱۶- شما برای موافقت یا مخالفت خط قرمزی برای این برنامه ها دارید ؟** من خط قرمز دارم اما خط قرمز من برای هیئت نظارت خط قرمز محسوب نمیشه و شخصی محسوب میشه .

هیئت نظارت چهارچوب داره و من مطالب رو از حیث قانون مد نظر دارم . گاهی میشه که من نظرم نیست که آقای فلانی بیاد اما هیئت نظارت نظر مثبت داره .

**۱۷- اگر بین همکارانتون بی مسئولیتی ببینید واکنش خاصی دارید ؟** صد در صد ؛ اگر روند مجموعه و زیر مجموعه نباشه به خاطر وظیفه امر به معروف در حد توان عنوان میکنم . اگر هم که زیر مجموعه خودم باشه که بحث اداری هست و سعی میکنم به همکارانم بقبولانم و توجیه کنم که ما این جا برای خدمت هستیم .

**۱۸- علایق و مطالبه های دانشجویها نسبت به قبل تغییر کرده ؟** تغییراتی که داریم . نوع مطالبات دانشجویی عوض شده شاید چون زیرساخت ها بهتر شده . در گذشته بیشتر ساختار صنفی بود اما الان به سمت ساختار فرهنگی پیش رفته . البته من عمده ی این تغییرات رو به خاطر فضای مجازی میدونم .

**۱۹- رمز موفقیت تون در جلب رضایت همه ی طیف ها چیه ؟**

رضایت همه رو که نمی خواهیم جلب کنیم ولی چون دانشجویها به این جا به عنوان یه مرجع رسیدگی مراجعه میکنن در حد توان سعی میشه به امورشون رسیدگی بشه . گاهی هم شده که دانشجوی کاری خواسته که ما نتونستیم انجام بدیم ، اما خب درصددش رو کم

کردیم . چون سعی بر این داریم که دانشجو رو حمایت کنیم . اگر هم اون موفقیتی که شما میگردید وجود داره و من خودم احساس نکردم ، این هست که خودم را جای طرف مقابل می دارم .

**۲۰- خودتون از کار خودتون راضی هستین ؟ از ۲۰ به خودتون چند میدین ؟** حوالی ۱۴

**۲۱- سه تا از بهترین دانشجویهایی که در تشکل ها باهاشون کار کردید نام میبرید ؟ چه ویژگی های مثبتی داشتن ؟**

به صلاح نمیدونم که اسم نام ببرم ولی صداقت ، شجاعت و ایمان در کنار هم ؛ چون دانشجو باید صادق و شجاع و مطالبه گر باشه . با مطالبه ی درست که رهبری هم اشاره میکنه مشکلات کشور ما خیلی زود حل میشه

**۲۲- تا حالا در جریان کارا مورد تخریب و توهین هم قرار گرفتین ؟ واکنشتون چیه ؟**

بله ؛ اول پیش خودم عصبانی میشم ولی خب بعد میگم هر چی میخوان بگن .

**۲۳- بهترین و بدترین روز کاریتون ؟**

نمیشه واضح گفت ولی یکی از بدترین روزهای کاریم این بود که با شرکتی فسق قرارداد کردیم و ازما شکایت کرد و اون روز ذهنم خیلی درگیر شد و ناراحت شدم .

در مورد بهترین روز کاری هم نمیشه صرفا گفت ولی روزی که احساس

کنم خدمت خوبی کردم ، اون روز برام روز خوبیه .

**۲۴- چند سالگی ازدواج کردین ! و ازدواج دوران دانشجویی رو تایید میکنید یا نه ؟**

من بعد از دانشگاه ازدواج کردم و خدا بهم کمک کرد و الحمدالله راضی هستم .

ازدواج دانشجویی به شرط پخته بودن و مشورت با خانواده .

**۲۵- اگر بگن ۳ تا از ارزشاتون الان برآورده میشه، چه آرزوهایی میکنید ؟**

فرج امام زمان (عج ) که در واقع در ابتدای دعاهام هست و در کنارش سلامتی مقام معظم رهبری و اگر خدا قبول کنه شهادت . که میدونم خیلی باید خالص باشیم که من نیستم و به قول رهبری : ما مدعیان صف اول بودیم / از آخر مجلس شهدا را چیدند .

اما خدا کنه که در آخر با یک رویه ی خوب از دنیا بریم

بتونم پدرم رو ببرم کربلا که فعلا به خاطر شرایط جسمی شون امکانش پیش نیومده .

عاقبت به خیری خانواده ام .

**۲۶- سخن آخر ؟**

هدف رو خدمت به مردم بگذارید و دوست دارم دانشجویها بدونن که اگر بخوان در آینده موفق باشن باید درس بخونن و هدف رو خدمت به مردم قرار بدن چون با این نحو خیلی کارها جلو میوفته . وقتی هدف پول و دنیا باشه ؛ مشکلات دنیوی دست و پای ما رو میگیره .

فاطمه کاظمی

# پوپولیسم مساوی عوام گرایے یا عوام فریبے

۱۵

تلنگ

فصلنامه صنفی،  
فرہنگی، سیاسی  
بسیج دانشجویی  
سال سوم،  
شماره ہفدہم  
اردیہشت ۱۳۹۸

پوپولیست یعنی عمر بن  
عاص! پوپولیسم یعنی  
از شمشیر علی (ع) قوی  
تر سراغ داشتن؛ یعنی  
جہل مردم! یعنی قرآن بر  
سرنیزہ... یعنی خون جگر  
خوردن مولا!

پوپولیسم یا عوام گرایے  
یعنی آنچه خواستہی  
عامہ مردم باشد حق  
است و همان است کہ  
تعیین کنندہی مسیر  
ادامہی حیات کشور  
است.

این سیاست امروز و دیروز  
نیست، ہمیشہ سیاست  
زدگان تاریخ عوام گرایے  
را بہ عنوان بی بدیل ترین  
برگ برندہ استفادہ

کردہ اند. عوام گرایے  
یعنی احساسات مخاطب  
را تحریک کردن، بہ جای  
برانگیختن تعقل؛ یعنی  
میان کلام سوت و کف  
بشنوم؛ یعنی دنبال  
تعریف و تمجید باشم؛  
یعنی برایم ست شدن  
رنگ خیابان های دوروبرم  
و لباس تن مردم، بارنگ  
انتخاباتی ام مهم باشد!  
پوپولیسم دارای چند  
ویژگی کلی است:

۱. جلب پشتیبانی مردم،  
با توسل بہ وعدہ های  
کلی و مبہم و معمولاً با  
شعارهای ضد دیکتاتوری.  
۲. پیشبرد اهداف  
سیاسی، مستقل از احزاب

سیاسی و با فراخوانی  
تودہ مردم بہ اعمال فشار  
مستقیم بر حکومت.  
۳. بزرگداشت و تقدیس  
مردم یا خلق، با اعتقاد  
بہ اینکہ هدف های  
سیاسی، باید بہ ارادہ  
و نیروی مردم و جدا از  
احزاب یا سازمان های  
سیاسی پیش برود.

محمود سریع القلم، استاد  
علوم سیاسی دانشگاه  
شہید بہشتی می گوید:  
«پوپولیسم یعنی اینکہ  
مردم پول اندکی بگیرند  
و برای یک ماہ راضی  
باشند. افراد پوپولیستی  
با این کار امتیاز سیاسی  
می گیرند و هیچ کس ہم

نمی پرسد کہ آیا این کار  
منطقی است یا خیر.»  
می توان گفت اساس  
عوام گرایے بر ساکت  
کردن تنش ها و اعتراضات  
عمومی و دریافت رضایت  
عمومی، استوار است.  
غالباً عامہی مردم بیشتر  
از آنکہ پیرو تفکرات و  
منطق باشند، پیرو جو و  
احساساتی تصمیم گیری  
میکند و این ابزار بسیار  
مناسبی است برای  
دولت مردان ہر حزبی،  
کہ بتوانند با جلب  
حمایت عمومی بہ قدرت  
برسند.

بہ زعم عدہ ای طرح تحول  
نظام سلامت در دولت



یازدهم یا طرح مسکن مهر در دولت دهم، از جمله طرح‌های عوام گرایانه‌ای است که با وجود اشکالات و آسیب‌های بسیار، صرفاً چون خوشامد غالب مردم بوده است، ادامه یافته‌اند یا به صورت رسمی شکست این طرح‌ها اعلام نشده است.

مصلحت چیست؟ اگر درست بخواهیم نگاه کنیم، این مفهوم به قدری پیچیده و وسیع است که نمی‌شود با چند شعار آن را بیان کرد. همین وسعت معنا، اما، سنگر خوبی شده تا سیاسیون

خودشان و اهدافشان را پشت آن پنهان کنند. آنچه اهمیت دارد، مصلحت جامعه است که در درازمدت و پس از گذشت از پستی‌ها و بلندی‌های بسیار، ثمرات آن مشخص خواهد شد. گاهی ممکن است مصلحت جامعه در چیزی باشد که خوشامد جمع کثیری از عوام نباشد، حاکم جامعه باید فارغ از این احساسات ضدونقیض جامعه بر موضع خود ایستادگی کند.

راهکار خروج از این بازی خوردن پیوسته از سیاسیون قدرت طلب

چیست؟ آگاهی درمان است؛ همان‌طور که جهل، عامل تمام عقب‌ماندگی‌های بشریت است از آغاز تا به امروز.

نمیشود گفت سیاسیون همه مقصرند و عوام قاصر؛ نمیشود معذور بدانیم مردمی را که به صحت حرف‌های پررنگ و لعاب شک نمی‌برند و به جهل خودشان توجه نمی‌کنند و بی‌توجه به نتیجه‌ی احساسات برانگیخته‌شان در سرنوشت کشور زندگی میکنند.

باید کاری کرد برای این صفین!

تا وقتی عمر بن عاص‌ها نفس میکشند تا وقتی نزدیک است قرآن بر سرنیزه‌ها باشد؛ نباید ابوموسی اشعری بود!

امروز دیگر نوبت مالک است! باید علم درون رگ‌های مردمان تزریق کنیم؛ باید علم را سرود کنیم، بخوانیم، فیلم کنیم، بنوازیم؛ باید آگاهی روی درودیوار شهرهایمان بکشیم باید برای علم راهپیمایی راه انداخت!

باید برای نوشیدن آگاهی صف به راه انداخت! باید جنگید... ما در برابر

جهل مسئولیم!

## منافق،

نمک بر زخم  
شیر مردان انقلاب

با بررسی تاریخ معاصر ایران، به تضادهایی بر میخوریم دردناک. تضادهایی از جنس معنا و مفهوم. تضادهایی که در آن تقابل حق و باطل به خوبی مشخص است که ریشه‌ی پیدایش این تضادها یک چیز است، انقلاب مردمی ایران اسلامی.

تضاد مفهومی کلمات نیز از ثمره‌های همین انقلاب است. البته بهتر است بگوییم با انقلاب اسلامی معنای تحریف شده‌ی کلمات کنار رفت و به معنا و مفهوم اصیل خود بازگشتند.

منافق، کلمه‌ی اصالت دار قرآنی که طی دوران‌ها، قالب‌های گوناگون معنایی را به خود گرفته است. هرکس واژه «منافق» را به ظن خود به گونه‌ای تعریف

می‌کند. در واقع به سود و در راستای منافع خود! اما اگر از دید معنای اصیل قرآنی به آن نگاه کنیم، واژه‌ی «منافق» به جز خون دل کردن دل رزمندگان اسلام از همان ابتدا تا کنون چیزی نیست، کلمه‌ای که حس خائنه‌ی خنجر از پشت خوردن از سوی مخالفان الله را برای هرکس تداعی می‌کند؛ اما وعده‌ی الله است که حق پیروز نبرد است.

منافق قرآنی!

واژه «منافق» در قرآن به فردی گفته می‌شود که ظاهری با ویژگی‌های مسلمانان و مؤمنان دارد اما در باطن تهی از ایمان هست. قرآن ویژگی‌های این افراد را دروغ‌گویی، فریبکاری، بیمار دل،

فسادگر در زمین، بی‌خرد، تحقیرگر مؤمنان، دو چهره، سردرگم، دین فروش، آتش افروز، باطل‌گرا، همیشه در حال ترس و وحشت و در راه مانده برمی‌شمارد.

سرچشمه نفاق به هجرت پیامبر از مکه به مدینه و شکل‌گیری پایه‌های قدرت حکومت اسلامی برمی‌گردد. چرا که در زمان حضور پیامبر در مکه مخالفان آشکارا برضد اسلام می‌گفتند اما پس از هجرت با قدرت گرفتن مسلمانان و با شکست دشمنان اسلام، بحث نفاق و منافق در بین مسلمانان آغاز شد.

منافق پهلوی!

در تاریخ معاصر و در دوران پهلوی شاهد دو نوع تعریف از منافق در کشور هستیم، یکی از دید شاه

و پسرش و دستگاه این حکومت و یک نوع تعریف از دید مردم انقلابی که به دنبال اصلاح و در جبهه‌ی مردم بودند.

تعریف انحرافی شاه و دستگاه طویلش از منافق این بود که هرکس در مخالفت با افکار، جهان بینی و نوع بینش و عملکرد آن‌ها است، منافق می‌باشد؛ حتی اگر در حال نقد باشد! همه چیز در اراده‌ی عالی حضرت خلاصه می‌شد و تمام! غیر از این نوازش‌های ساواک را در پیش روی خود می‌دید.

از دید پهلوی خمینی‌ها، خامنه‌ای‌ها، حدیدچی‌ها و غیوران‌ها و طاهره سجادی‌ها، انصاری‌ها و هزاران مبارز دیگر، همه منافق بودند و محکوم به



مرگ و نابودی، کسانی که در ابتدا به دنبال اصلاح بودند و با مقابله پهلویان مواجهه شده و منجر به شکل گیری انقلاب بزرگ اسلامی شد. اما از سوی دیگر، تعریف انقلابیون در حال مبارزه با این دستگاه خود ساخته، در مقابل آن‌ها قرار داشت. این تضاد تداعی گر نبرد واقعی حق و باطل در قالب تعریف کلمات است. تاریخ مبارزاتی مردم ایران در دوران پهلوی چنین منافقینی همانند عباس زیرباف‌ها، رجوی‌ها، فرقانی‌ها و ... را کم به خود ندیده است. این منافقین افرادی بودند که با ظاهری مبارزاتی در بین مردم انقلابی نفوذ می کردند و با مردم در صف اول بودند اما در

لحظات حساس نه تنها در کنار آن‌ها، حتی در صف آخر هم نبودند، بلکه در آن لحظات مشغول به انقلابیون فروشی بودند. منافق انقلابی! بعد از انقلاب واژه «منافق» رنگ و روی دیگری به خود گرفت. با نفوذ باطل در جبهه حق و تشکیل سازمان مجاهدین خلق و ترورها و جنایت‌های انجام شده از سمت این افراد، شاهد تعریف یک رنگ و یک سویی از «منافق» در سراسر ایران هستیم. تعریفی از جنس قرآن و در راه اسلام! ترورهایی از سمت منافقین که از قبل پیروزی انقلاب آغاز شد و به دهه شصت، هفتاد، هشتاد و اکنون به دهه ۹۰ رسیده است. ترورهایی که هدفشان

سیاسیون نبوده، بلکه انقلابیون است. حال این انقلابیون در لباس مردم باشد یا رئیس جمهور یا دانشمند یا سرباز! مهم این است انقلابی است و باید از بین برود. صحنه‌های ترور مجلس، حرم رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و اهواز هنوز در یادهاست. دل مجاهدان انقلابی سال‌های سال است که در چنگال ترور منافقین قرار دارد. منافقینی از جنس صهیونیست‌هایی که دل مبارزه رودر رو را با جهان اسلامی که در حال گسترش است، را ندارند و امروز روی به پرورش این منافقین بسی واقعی آوردند. منافقین واقعی از جنس مردم، سرباز، حزبی، دولتی، سپاهی و امام‌های و

...

در این چهل سال گذشته، ایران و اسلام هرکجا در نقطه‌ی عطفی قرار گرفته است، شاهد ترور انقلابیون ایرانی بودیم. کلمه‌ی «منافق» نمک پاشیدن بر روی زخم‌های انقلابیون هستیم. زخم‌هایی که از سوی ناسپاسی مردم تن آن‌ها را پاره پاره کرده است. راه شناخت منافق امروزی چیزی نیست به جز بصیرت. بصیرتی از جنس ولایت پذیری و تعهد به اسلام. امروز ایران جایگاهی دارد که دشمنان از پس مبارزه رودر رو با آن بر نمی‌آیند، تنها راه آن‌ها تربیت مناقین است و علم مبارزه با این مناقین تنها یک چیز است و آن هم علم «لا اله الا الله».



بهرام اسدپور

## نگاه امام چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.

۱۹

زندگی

فصلنامه صنفی،  
فرهنگی، سیاسی  
بسیج دانشجویی  
سال سوم،  
شماره هفدهم  
اردیبهشت ۱۳۹۸

امام خمینی روزی روزگاری فرمود آمریکا شیطان بزرگ است. در نگاه اول می‌گوییم خب منظور امام این است که آمریکا کشوری ظالم و ستمگر است و نباید او را دوست بداریم؛ بلکه دشمن باشیم اما وقتی به شخصیت و گذشته امام نگاه می‌کنیم می‌بینیم امام یک آخوند است، یک مجتهد دینی است، پس انتظار می‌رود نگاه و جهان بینی او در همین راه باشد. واضح تر بگوییم در دین اسلام شیطان، دشمن ابدی انسان و کسی است که قسم خورده تا همه انسان‌ها را به جهنم بکشاند و لحظه ای در این راه دست از هدفش نخواهد کشید و در دین اسلام توصیه شده است که باید مرتباً از شیطان به خدا پناه برده و لحظه ای در این راه غفلت نکرد. حال وقتی امام می‌گوید آمریکا شیطان

بزرگ است آیا می‌شود این جور برداشت کرد که شیطان در لفظ آمریکا خود را جلوه داده و گرنه اگر در لفظ جمهوری اسلامی ایران هم خود را جلوه می‌داد ما باید با او مبارزه می‌کردیم؟ آیا می‌شود این طور برداشت کرد که اگر آمریکا سراسر آخوند و بسیجی بود ولی طبق معیار دینی ما ویژگی شیطان را داشت باز ما او را دشمن می‌پنداشتیم؟ آیا می‌شود این جور برداشت کرد که حتی اگر آمریکا با ایران دوست بشود و تمام اقتصاد و رفاه ما را تامین کند ولی به فرض مثال به کشورهای دیگر حتی کشورهای مظلوم غیر اسلامی تجاوز کند باز ما او را دشمن پنداشته و باید با او مبارزه کنیم؟ زمانی به این نوع برداشت از کلام امام بیشتر مطمئن می‌شویم که امام می‌

گوید اینان را نباید آرام گذاشت که اگر آرام گذاشتید، آرامتان نخواهند گذاشت. آیا شیطان در قالب زندگی شخصی هریک از ما همین ویژگی را ندارد؟ آیا شیطان نه اینگونه است که اگر لحظه ای با او مدارا کرده و کنار بیایم ما را از خدایمان یا به عبارتی خودمان جدا می‌کند؟ بگذارید حالتی را برایتان شبیه سازی کنم تا بهتر عمق کلام را حس کنید. انسان دو دشمن دارد یکی شیطان که در بیرون و یکی نفس اماره که در درون اوست و این دو می‌خواهند او را از هدفش بازدارند. حال همین انسان را کشور ایران یا جهان اسلام امروزه فرض می‌کنیم که آمریکا و اسرائیل و دیگر نوچه هایشان شیاطین بیرون و منافقین و غرب زدگان شیاطین درون او می‌

باشند که از ظهور اسلام تا قیام قیامت دشمن او بوده و قصد دارند او را از هدفش بازدارند. این را جناب هانتیگتون به خوبی بیان می‌کند که ما نظاره گر برخورد تمدن اسلام و لیبرالیسم هستیم اما کامل تر از کلام ایشان باید گفت لیبرالیسم تنها نماینده ای از شیطان است که خود را با این تفکر جلوه داده است. نتیجه کلام اینکه شیطان دشمن قسم خورده ماست و هرگز از هدف خود دست بر نمی‌دارد. ما نیز هدف خود را داریم و حرفمان همان است که یاران گفتند جنگ، جنگ، تا پیروزی. منتها باید دانست و توجه کرد که منظور اصلی از جنگ چیست و منظور از پیروزی کدامین پیروزی است؟ و نگذاشت با شور ما عده ای متوجه شعور ما نشوند.



محمد حسین میر سلیمی

# کارآفرینی یا کارگزینی



در عصر حاضر جهانی را تجربه می کنیم که با یک کیلیک ساده با انبوهی از داده روبرو می شویم و هنر مخاطب در مهارت های کاربردی او در حرفه ی مورد نظر برای انتخاب و کاربرد این اطلاعات است. برای حفظ افراد از این حجم داده و پیشگیری از انجام اعمال نابخردانه و برگرفته از جهل؛ سیستم آموزشی هر کشور بایست به گونه ای عمل کند که دانش آموختگان خود را مجهز به مهارت و دانش کاربردی کند تا در نهایت بتواند حرفه ای انتخاب کند و حجم وسیع داده ها را به اطلاعات و دانش کاربردی حرفه ی خود تبدیل کند تا با تصمیم های خود دستیابی به توسعه ی پایدار را محقق سازد. این چالش سبب شده است سیستم آموزشی در کشورهای پیشرفته دانش آموختگان خود را با روحیه ی کارآفرینی تربیت

کنند تا هر فرد در حرفه ی مورد علاقه ی خود با دانش و مهارت کاربردی مجهز شود از این رو برخی مواقع شاهد هزینه های بسیار برای ایجاد محیط تجربی از جمله ساخت شهر کارآفرینی هستیم که دانش آموزان و دانشجویان با ورود به این مکان در قالب بازی و فعالیت دانشجویی، عناوین مختلف شغلی را از تولید محصول، فروش و ارائه خدمات انجام می دهند اما در مقابل سیستم آموزشی مبتنی بر حفظیات سعی در تربیت دانش آموختگانی را با حافظه ی مملو از فرمول و داده های تئوریک مجهز کند که در این امر شکست می خورد زیرا اینترنت و تکنولوژی دیجیتال دارای سرعت، دقت و کیفیت بالاتری در این امر می باشد. روحیه ی حفظیاتی در دانش آموختگان سبب می شود فرد به دنبال آگهی ها

باشد تا یکی از کارگزینی ها برای استخدام او رغبتی نشان دهد. جالب است بدانیم عکس این فرایند برای کارآفرینی پیش می آید و افراد با دغدغه ی کاربرد علم برای رفاه بیشتر از استرس های مختلف به انرژی بخشی و آسودگی می رسانند. کارگزینی شدن دانش آموختگان سبب می شود فرد با انبوهی از مدارک آکادمیک ادارات مختلف را با سواد تستی خود طی کند تا در نهایت غول سردرگمی و بیکاری را مانند غول کنکور شکست دهد که گاه زخم های بسیاری در این نبرد نابرابر می خورد از جمله افسردگی، کاهش نبوغ و خلاقیت، کارایی و بهره وری و... در نهایت اگر تاب این زخم ها را داشته باشد کارمندی می شود رنجور که اندیشه ای جز تکرار روزمرگی ها ندارد. کارآفرینان اما فرماندهانی هستند که

افسار اسب تغییرات و اطلاعات را در دست می گیرند و در میدان نبرد پیروزمندانه جولان می دهند. تربیت افراد با روحیه ی کارآفرینی نیازمند تغییر نگرش آموزشی است به گونه ای که در سیستم آموزشی مدارس و دانشگاه سبب می شود علاوه بر سواد خواندن و نوشتن فرد محصل به سایر جنبه های سواد تعریف شده ی یونسکو از جمله سواد مالی، سواد ارتباطی، رسانه ای، رایانه ای عاطفی و تربیتی دست یابد. یک دانش آموخته ی با سواد گام بردارند از جمله آموزش مهارت های مورد نیاز با تجهیز فرد به دانش کاربردی شغل مورد نظر در آینده. یادمان باشد سیستم آموزشی مبتنی بر حفظیات دانش آموختگان کم سواد تربیت می کند و دانش آموخته ی کم سواد سبب آسیب جبران ناپذیر به خود و جامعه می گردد.



# پیر حجاب اجباری

فائزه مرزوقی

و روان مصداق بزرگ جبر است اما جبر نرمی که با پنبه دست به کار می شود. این دیکتاتوری مدرن و باهوش با مهندسی افکار عمومی به طرز عجیب و خشونت باری که احتمالا افراد از آن بی خبرند زنان و دختران ما را نه تنها به بی حجابی اجباری بلکه به اجبار های پست تر و حقیرتر میکشاند. پس آنچه که در موضع اتهام است بی حجابی اجباری است اما جوامع غربی و سیاست گذاران این کشور ها با زیر پا گذاشتن این حق اصلی و ابتدایی جسم و جان و روح و روان بانوان جهان را به بازی گرفته اند... به امید روزی که بتوانیم در راستای احقاق حقوق زنان گامی موثر در عرصه کشور و جهان برداریم...

علیه زنان محجبه، در نظر گرفتن جرایم نقدی ۵۰۰ دلاری و بیشتر به علت استفاده از پوشیه و حتی روسری هایی که چهره را می پوشانند در کشور هلند، ممنوعیت حفظ حجاب در برخی ایالت های کشور آلمان و ایالت اورگان کشور امریکا همه و همه از شواهد دردناک و تاسف برانگیز جوامع خارجی علیه داشتن حجاب است. اما جبر از منظر دوم یعنی نمایش انواع تصاویر کلیپ ها فیلم ها و سریال ها موزیک ویدیو ها فشن شوها برنامه های تلویزیونی و غیره که در آنها زنانی خاص را به تصویر می کشند و دختران ما را مجبور میکنند که برای مقبولیت بیشتر به ظاهر این زنان و دختران شبیه و شبیه تر شوند. بازی با روح

دولتمردان اروپایی است. در عصر حاضر قوانین دیکتاتوری علیه حجاب در کشور های خارجی و جوامع غربی، بانوان محجبه ی این کشور ها را دچار مشکلات و چالش های عدیده کرده است.

در سال ۲۰۰۴ مجلس فرانسه با تصویب قانون ممنوعیت استفاده از نشانه های مذهبی، استفاده از حجاب اسلامی را در مراکز آموزشی و تربیتی غیرقانونی اعلام کرد که تضاد این قانون با مفاد اعلامیه ی حقوق بشر سازمان ملل به وضوح به نظر همگان رسید.

منع داشتن حجاب توسط زنان کارمند و دانش آموزان مدارس در قوانین کشور بلژیک، توهین ها و برخوردهای فیزیکی و خشونت بار در دانمارک

اخیرا به این فکر افتاده ایم که صفحه ای در اینستاگرام و شبکات مجازی با موضوع "بی حجابی اجباری" راه اندازی کنیم و در آن از انواع خشونت ها و قوانین بیرحمانه علیه حجاب پرده برداری کنیم... شاید سکوت و کاهلی عده ای سبب شده است که این روزها عده ای دیگر به راحتی تحت تاثیر مغلطه ی حجاب اجباری قرار بگیرند و قوانین اسلام را در موضع اتهام قرار دهند در صورتی که طرح مسئله ی اصلی مربوط به "بی حجابی اجباری" است. اجبار در بی حجابی اجباری از دو منظر بررسی میشود، در نگاه اول جبر به معنای چوب و چماق مزدوران گذشته و حال، از رضاخان و آتاتورک گرفته تا

فصلنامه صنفی، فرهنگی، سیاسی بسیج دانشجویی سال سوم، شماره هفدهم اردیبهشت ۱۳۹۸

# یک جرعه کتاب

معرفی کتاب التیام (فرجام شناسی جریان های تاریخ)



امام مهدی (عج) از نظر نسب و نژاد یک بنی اسرائیلی رسمی و در عین حال از طرف پدر یک بنی اسماعیلی اصیل است. گویی اراده خدا بر آن است که فرجام جهان را به دست مردی رقم زند که عصاره انبیا و اولیای بنی اسماعیل و بنی اسرائیل باشد. بسیاری از کتاب های منتشر شده درباره صهیونیسم و یهود و قوم بنی اسرائیل بر دو گونه نگاه مبتنی است:

نگاه اول، نگاهی افراطی و مبهم، راز آلود که همه ی انحرافات بشر را به قوم بنی اسرائیل و آیین یهود ربط می دهد تا جایی که مخاطب فکر می کند قتل های بیل به دست قابیل نیز بر اثر تحرکات لابی یهود و فراماسونری بوده است!

این نگاه مخاطب را به این جا می رساند که بشر باید تا پایان تاریخ به جنگی بی فرجام با ارتش سایه ها و لشکر اشباح مشغول باشد و

منتظر باشد تا دستی از پرده ی غیب بیرون بیاید و این سرطان فساد را از زمین برکند. این دست آثار حاوی گونه ای لذت رازآلود است اما فاقد ارزش نظری است و کاربردی است. این گونه آثار با اصالت دادن به کارگردانی باطل در جهت دهی به تاریخ و نوعی سمت و سوگیری جادویی نگاشته شده اند و بسیاری از رویداد ها با کلید ((برنامه ریزی دسیسه آلود)) گشوده اند.

در این گونه آثار خواننده از آغاز با نوعی فرانسازان روبه روست که تاریخ را کارگردانی می کند در حالی که به تایید قرآن، تدبیر تاریخ به دانایی و توانایی نیاز دارد که فقط از عهده خدا بر می آید (سوره سجده آیه ۵).

این دست نوشته هم مایه سرگرمی است و هم پایه سردرگمی، و مانند فیلم های ژانر وحشت دارای ترسی مبهم و جذاب اما فاقد محتواست و تنها

مخاطب را با ابهاماتی عمیق تر روبه رو می کنند. مخاطب در نهایت به این پرسش ساده می رسد که آیا جامعه سه درصدی صهیونیسم تنها مولفه ی تاثیر گذار بر تصمیمات مردم جهان است یا فقط یکی از مولفه های تاثیر گذار؟؟ ناتوانی این تالیفات در پاسخ به این پرسش تا آنها را از اعتبار و کاربرد ساقط کند.

نگاه دوم نگاهی است که با پاک کردن صورت مسئله، منکر آیات و روایات دینی می شوند چشمان خود را بر واقعیات عینی و امروز صهیونیسم در سطح جهان می بندند. اینان هر ادعایی، هرچند مستند و مستدل، درباره ی جنایات صهیونیسم را به توهم توطئه و خیال بافی نسبت می دهند و می کوشند کردار ضد بشری صهیونیسم را به هر شکل ممکن توجیه کنند. این گروه طیفی از روشنفکران سکولار مآب اند که پایه تلاش خیانت بار

آن ها بیشتر بغض اسلام است تا حب صهیونیسم و یهود. این کتاب تلاش بر ارائه ی روایتی طبیعی، عقلانی، قرآنی و باور پذیر از تاریخ بنی اسرائیل و و یهود به عنوان سرسخت ترین دشمن اسلام دارد و افزون بر آن حکایت قوم بنی اسرائیل در قرآن به گفته پیامبر عزیز (ص) شباهت ها و تناسب های فراوانی با امت محمد (ص) دارد. این کتاب بر اساس روایات و قرآن به بیان علل انحراف یهود به نحوی باور پذیر و منطقی می پردازد و در نهایت ما را به این نتیجه می رساند که عامل انحراف بنی اسرائیل و بنی اسماعیل عصیان در برابر امر الهی بوده و پایان تاریخ مهار این دو جریان و اتحاد و التیام این زخم کهن تاریخی خواهد بود. لازم به ذکر است که این کتاب حاصل جلسات رضا مصطفوی و مرحوم سلحشور در مورد فیلمنامه حضرت موسی (ع) است.

# مراقبت متعالی در منزل

مدت مدیدیست که در محیط جامعه و منازل، شاهد کمبود و ضعف در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات بهداشتی سازمان یافته به صورت کاملاً علمی و عملی توسط تیم مجرب و حرفه‌ای بهداشت جامعه هستیم. برای پاسخ دهی به انتظارات مردم از نظام سلامت و رفع نیازهای اساسی آن‌ها و کاهش مسائل و مشکلات بهداشتی و پیشرفت در مبحث پیشگیری باید خدمات بهداشتی و مراقبت‌های بالینی به صورت علمی و کارآمد در دسترس تمام افراد جامعه و به ویژه گروه‌های در معرض خطر بیشتر قرار گیرد. به مدد الهی و با همت فراوان

تعدادی از دلسوزان در عرصه‌های مختلف سلامت و همکاری و مشارکت نهادها و سازمان‌های علمی و هم‌چنین خیریه محترم، موسسه خیریه مراقبت متعالی در منزل در استان فارس در شرف راه اندازی است. در این مراکز افراد با صلاحیت و واجد شرایط دارای وظایف و اختیارات مشخص هستند که براساس آیین‌نامه‌های وزارت بهداشت و درمان و طبق نیازهای مددجویان، به ارائه‌ی خدمات در سطوح مختلف نظام سلامت می‌پردازند. هدف اصلی از تاسیس این موسسات، تامین، حفظ و ارتقای سلامت مددجویان، مشاوره، آموزش، درمان

، نوتوانی و بازتوانی، کمک به سالمند و... می‌باشد. شرایط مکانی لازم برای احداث به این صورت است که مرکز باید دارای یک مکان مستقل با حداقل فضای فیزیکی ۱۰۰ مترمربع (ملکی یا استیجاری) باشد و به سالن انتظار، اتاق مشاوره، اتاق آموزش و سرویس بهداشتی مجهز باشد. هر مرکز جهت تاسیس نیاز به امکانات و تجهیزات حداقلی دارد شامل کامپیوتر متصل به اینترنت پرسرعت، دستگاه پرینتر، اسکنر، تلفن مستقل و... هم‌چنین امکانات و تجهیزات پزشکی لازم که باید در کیف‌های مراقبتی به تعداد مورد نیاز و کافی وجود داشته

باشد. در ارائه‌ی خدمات رعایت اصول اخلاقی و موازین حرفه‌ای ضروری است از جمله: احترام به اعتقادات و مراسم فرهنگی و عبادی افراد، برقراری ارتباطی مناسب با افراد و تیم درمان، صداقت و حفظ اسرار و حرمت افراد، رعایت حقوق افراد، پذیرش انتقادات منطقی و سازنده و... با مشخص شدن بیماران نیازمند به ارائه‌ی مراقبت در منزل در صورت رضایت به همراه فرم آموزش حین ترخیص از بیمارستان و خلاصه پرونده و سایر اسناد و مدارک لازم به موسسه مراجعه میکنند و نوع و شدت بیماری آن‌ها توسط کمیته‌ی تخصصی ارزیابی و تایید



می شود، سپس قراردادی مابین موسسه و خانواده ی بیمار مبنی بر ارائه ی خدمات در سه نسخه تنظیم می شود. با اجرای این طرح مراقبت ها در سه سطح اولیه، عمومی و تخصصی انجام می شود. خدمات به صورت عادلانه در دسترس تمام اقشار جامعه قرار می گیرد و ساختاری همگانی کل جامعه را تحت پوشش خود قرار می دهد. هزینه های فردی، خانواده و جامعه به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. باعث افزایش بهره وری مراکز بهداشتی و درمانی شده و با ارائه ی آموزش و استفاده از مشارکت و همکاری افراد و خانواده مهارت های

خود مراقبتی توسعه می یابد. پس ترخیص بیمار از بیمارستان مراقبت های لازم پیگیری شده و ارائه ی خدمات تداوم دارد. کیفیت و امنیت خدمات پرستاری افزایش یافته و بخش های غیر دولتی نیز در این مهم خدمت رسانی می کنند. از بستری شدن های مجدد و قابل پیشگیری جلوگیری شده و از بار بیمارستان ها کاسته می شود و فعالیت بیمارستان ها پر بازده تر میشود. تمام کادر درمانی موظف هستند تا با این ساختار و نظام آشنایی کامل پیدا کنند در به تحقق اهداف آن سهیم شوند. باید نظارت و کنترل دقیقی بر سیستم وجود داشته باشد تا از ورود افراد

فاقد صلاحیت به منازل به بهانه ی تامین مراقبت ممانعت شود. با بومی سازی کردن طرح مذکور و استفاده ی بهینه از نیرو های متخصص و باتجربه زمینه ی برای اشتغال مناسب افراد با استعداد ایجاد می شود. خدمات مشاوره ای به دو صورت حضوری یا غیر حضوری به فرد و خانواده ارائه می شود. با هماهنگی پزشکی معالج بازدید از منزل و ارائه ی خدمات قبل از پذیرش بیمار و بعد از ترخیص از بیمارستان صورت می گیرد. مدارس، کارخانجات، ادارات و سایر سازمان ها از خدمات مشاوره ای این موسسات بهره مند می شوند. مددجویان پرخطر

باید شناسایی و به موقع به چنین مراکزی ارجاع داده شوند تا تحت مراقبت قرار گیرند. بدین ترتیب کودکان معلول، معلولین جسمی و روانی، سالمندان و بیماران با بیماری مزمن یا صعب العلاج تحت آموزش و بازتوانی و نوتوانی قرار می گیرند و افرادی که نیاز به مراقبت مداوم دارند تحت حمایت این ارگان قرار می گیرند.

اما نکته ی حائز اهمیت این است که محقق شدن این امور نیاز به گروه فکری بزرگ و گروه اجرایی بزرگ تری دارد. اگر شما هم میخواهید در این اتفاق بزرگ و قشنگ سهیم باشید؛ عمیقاً پذیرای شما هستیم.



وحید طیبی خرمی

# آنچه گذشت...

گوشه‌ای از فعالیت‌های بسیج دانشجویی در سال تحصیلی گذشته

- برگزاری اردوی پیاده روی اربعین حسینی با حضور ۴۰ دانشجوی دختر و ۴۰ دانشجوی پسر. این اردو از ۲۶ مهرماه تا ۴ آبان ماه سال ۹۷ برگزار گردید.

- برپایی کمپ درمانی در مسیر نجف-کربلا. در این موکب درمانی که در محل عمود ۱۱۲۴ برگزار گردید، ۴۰ نفر از دانشجویان به مدت یک هفته به حدود ۱۵۰۰۰ نفر از زائران اربعین حسینی خدمت رسانی کردند.

- برپایی تریبون آزاد با موضوعات مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در دانشکده‌ها

- برگزاری مراسمات مذهبی و عزاداری به مناسبت دهه اول محرم در دانشکده‌های

پرستاری و دندانپزشکی

- برگزاری کلاس‌های مشاوره علمی و مدیریت زمان برای دانشجویان

- برگزاری مسابقات ورزشی مختلف در دانشکده‌ها

- برگزاری طرح جمع آوری کتاب در خوابگاه‌ها

- برگزاری طرح جمع آوری لباس و پوشاک در خوابگاه‌ها و جمع آوری بیش از ۲۰۰ دست لباس

- برگزاری کارگاه ازدواج در دانشکده پیراپزشکی

- برگزاری جشن میلاد پیامبر اکرم در دانشکده پرستاری

- برگزاری همایش نظام سلامت در تراز انقلاب اسلامی. این نشست دو روزه با حضور مسولین بسیج ۱۰ دانشگاه برتر کشور باهدف افزایش دغدغه

مندی و تلاش برای شبکه سازی میان دانشگاه‌ها برگزار شد تا در نتیجه آن، مطالبه گری‌های تخصصی در حوزه نظام سلامت صورت گیرد.

- برگزاری مسابقه عکاسی به مناسبت‌های مختلف مانند ۲۲ بهمن، مسابقه عکس طنز و...

- برگزاری سلسله جلسات درگوشی‌های دخترانه

- برگزاری حلقه‌های کتابخوانی و بررسی کتاب‌های مختلف مانند خاطرات سفیر، فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند و..

- برگزاری برنامه بازدید از برج پژوهشی محمد رسول الله

- برگزاری طرح خادم‌الشهدا

- برگزاری بازارچه‌های خیریه در دانشکده‌های داروسازی، توانبخشی و پیراپزشکی

- برگزاری کارگاه آموزش فن بیان در دانشکده پرستاری

- برگزاری دوره توانمندسازی جریان شناسی سیاسی. در این کارگاه دو روزه که با تدریس استاد محمدرضایی برگزار گردید، جریان‌های سیاسی ۵۰ سال اخیر بررسی و موشکافی شدند.

- برگزاری ویژه برنامه‌های ۹۵ی در دانشکده‌ها

- برگزاری ویژه برنامه ۹۵ی با حضور دکتر سعید جلیلی و دکتر لنکرانی

- برگزاری طرح اول ماه‌های مهدوی در دانشکده توانبخشی

- قرار دادن موضوعات پایه‌ای نظام سلامت در رسانه‌های بسیج دانشجویی با هدف افزایش آگاهی دانشجویان از حوزه تخصصی خود



- بازخوانی قسمت های مهمی از قرآن، نهج البلاغه، احادیث و سخنان بزرگان در رسانه های بسیج دانشجویی

- برگزاری نمایشگاه دستاوردهای ایران و منطقه در دانشکده مدیریت و بهداشت

- اکران مستند گیلن باره در خوابگاه ها

- برگزاری مسابقه کتاب کف خیابون

- برگزاری اردوی جهادی دندانپزشکی در محله های رضوان و عادل اباد شیراز و کمک رسانی به مردم محروم این مناطق

- تاسیس کتابخانه در روستای بندشت شهرستان نیریز

- برگزاری اردوی جهادی ۵روزه در روستاهای محروم

شهرستان نیریز. در این اردو که در تاریخ ۱۷ تا ۲۲ اسفند برگزار گردید شامل بخش های مختلف فرهنگی، آموزش سلامت و درمان بود.

- برگزاری نمایشگاه اسوه ماندگار در دانشکده پرستاری. این نمایشگاه روایی تجسمی که با هدف نشان دادن مظلومیت حضرت زهرا(س) و شناساندن این الگوی جاودانه به عموم مردم برگزار می شود، امسال نهمین دوره خود را پشت سر گذاشت. به مدت ۱۰ روز بیش از ۱۰ هزار نفر از این نمایشگاه دیدن کردند.

- برگزاری مسابقات عکس و ساخت کلیپ از نمایشگاه اسوه ماندگار

- برگزاری دوره ای مسابقات

"تجلی بصیرت" توسط دانشکده بهداشت و تغذیه که با هدف افزایش آگاهی دانشجویان در زمینه های مختلف (مانند تاریخ انقلاب اسلامی) برگزار می گردد.

- برگزاری ویژه برنامه ۴۰ سالگی انقلاب با حضور استاد حسن عباسی

- برگزاری اردوی جهادی دو روزه در نواحی محروم شهرستان نیریز (۲ و ۳ اسفند)

- برگزاری کارگاه مدیریت زمان با تدریس دکتر ایمانیه (۱۶ اسفند)

- برگزاری بازارچه خیریه به نفع نیازمندان در دانشکده توانبخشی (۱۸ تا ۲۰ اسفند)

- اکران مستند «هاشمی زنده است» در دانشکده پیراپزشکی (۲۰ اسفند)

- برگزاری اردوی راهیان نور با حضور حدود ۳۰۰ دانشجو (۲۲ الی ۲۶ اسفند)

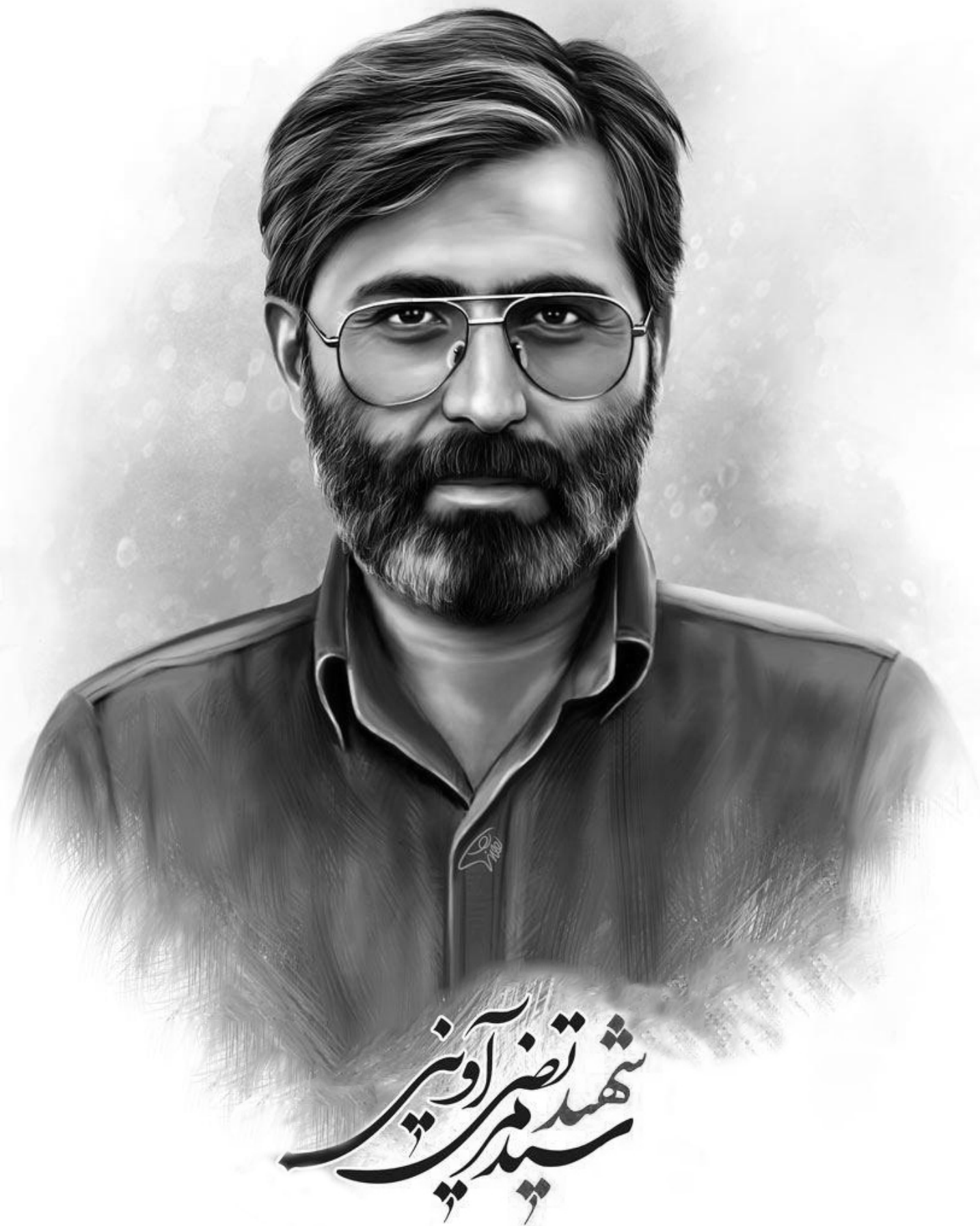
- برگزاری جشن مهرورزی دانشجویان و اساتید جهت خریداری بسته عیدانه برای نیازمندان

- توزیع ۵۲ کیلو گوشت قرمز و ۴۸ کیلو مرغ به خانواده های بی بضاعت به ارزش چهارمیلیون و ششصد هزار تومان

- برگزاری طرح آخر هفته های جهادی

- پخش مستند فریب دردانشکده بهداشت (۲۵ بهمن)

- برگزاری کرسی آزاد اندیشی با موضوع «غرب شناسی». با حضور استاد میرلوحی (۲۸ فروردین)



# تهدیه برای تو

کارتان را برای خدا نکنید؛ برای خدا کار کنید!  
تفاوتش فقط همین اندازه است که ممکن است  
حسین(ع) در کربلا باشد و من در حال کسب علم  
برای رضایت خدا!...